

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی  
۰۶ می ۲۰۱۷

## اعلام بازگشت "گلبدین" به دامان خانواده امپریالیستی اش!

قرآن: بازگشت همه به سوی اوست- منظور "الله"

اسلام سیاسی: بازگشت همه به سوی اوست- منظور "امپریالیزم"

با ابراز امتنان خدمت همکار عزیز ما آقای "امینی" که به مانند همیشه یکی از راز های مگوی اداره مستعمراتی و اربابانش را از پرده بیرون انداخت و افشاء نمود که "گلبدین" از مدتها قبل در "مهمانخانه" میدان هوایی بگرام به سر برده و بعد از تخلیه اطلاعاتی کامل و تدریس آنچه باید در دوران جدید انجام دهد، به لغمان فرستاده شد، جای دارد اندکی به این بازگشت، از بعد دیگری نیز نظر انداخته شود.

آنهایی که به نوشته های این قلم آشنائی دارند، شاید به خاطر داشته باشند که من باربار وقتی پای تعلق ارتباط نیروهای درگیر در قضایای افغانستان به میان آمده است، ضمن آن که از تعلقات "خلق-پرچم" با شوروی سابق و مناسبات نوکر منشانه آنها با اشغالگران روسی صحبت نموده ام، از مناسبات "سازمان جوانان مسلمان" یعنی نهادهای که حیثیت پدری برای تمام تشکلات منوط به "اسلام سیاسی" در افغانستان داشته است با امپریالیزم در کل و امپریالیزم جنایتگستر آمریکا به صورت خاص نیز یادآوری نموده، تأکید داشته ام که حیات "اسلام سیاسی" مطلقاً وابسته است به چگونگی ارتباط آن با امپریالیزم.

یعنی مادامی که "اسلام سیاسی" بخواهد حیاتش را تضمین و به مثابه کاندید قدرت عرض اندام نماید، الزاماً می باید از در مماشات و سازش با امپریالیزم پیش آید. این الزام از ماهیت ضد خلقی هر دو و از تقابل خونینی که با خلقهای جهان دارند برخاسته، آنها را وادار می سازد تا در کنار هم منافع شان را برآورده بسازند.

همچنان آن دوستان شاید به خاطر داشته باشند که نوشته بودم، امپریالیزم جنایتگستر آمریکا حین تجاوز بر افغانستان و اشغال آن، روی ملحوظات چندی، قادر نشد از بخش اعظمی از نیروهایی که طی سالیان متوالی آنها را پرورده بود جهت تحکیم مواضعش در افغانستان استفاده نماید و به همین منظور سیاست تربیت کادرها و فعالان جدیدی را از مجرای "انجونیزم" روی دست گرفته، در حقیقت هر واحد "انجونی" به مثابه یکی از شاخه های جذب و جمع "سیا" تلاش نمود، تا کمبود ناشی از فقدان کادرهای وابسته را پر نماید.

این را هم شاهد بودیم که سال گذشته، قشری را که امپریالیزم با صرف مبالغ هنگفتی از طریق "انجو" ها در افغانستان پرورش داده بود، در صد قابل ملاحظه ای از آنها یا به صورت رسمی به بهانه های مختلف و یا هم به

صورت غیر رسمی، افغانستان را ترک نموده به یکی از کشور های اروپائی پناهنده شد. - یک نظر اجمالی به محتوای درخواست پناهندگی اکثریت قریب به اتفاق جوانانی که سال گذشته افغانستان را ترک نموده اند، مؤید این ادعا می باشد- یعنی تمام زحماتی را که امپریالیزم برای دوام سلطه اش بر افغانستان کشیده بود، به صفر ضرب زدند- هیچ بعید نیست یکی از دلایل برخورد های ضد انسانی کشور های اروپائی با پناهجویان افغان، برخاسته از همین دلیل نباشد-

در چنین حالتی است که امپریالیزم متوجه می شود از یک جانب قدرت های رقیب امپریالیستی چون روسیه و چین و قدرت های تمامیتخواه منطقه چون پاکستان و ایران و قسماً هند، تلاش دارند تا احفاد ناراضی امپریالیزم را به طرف خود کشانیده و تعویض قلابه های آنها، از مجموع به مثابه پیاده نظام خود استفاده نماید و از جانب دیگر، مکاتب جاسوس پروری "انجونیوم" هم نتوانسته است، کادر ها و نیروهای لازم را جهت استقرار و دوام سلطه امپریالیزم پرورش دهد، به ناگزیر دست به دامان "گلبدین" که با تمام سروصداهایش در مواجهه با امپریالیزم سگ ولگردی را مانند است، که به یک اشاره به دنبک زدن آغاز نموده، لیسیدن پای صاحبش را بزرگترین افتخار و شاخصترین علامت تقرب خودش به ارباب می داند، دراز نموده نامبرده در ظاهر امر با دهل و نغاره مگر در اساس از طریق آماده سازی مخفیانه مجدداً وارد صحنه نماید.

آمدن "گلبدین" بر روی صحنه شطرنج سیاسی افغانستان، خلاف تبلیغاتی که اداره مستعمراتی کابل به خصوص بخش وابسته به "غنی" به تأیید از آن و آن را یک دستاورد بزرگ معرفی داشتن، به راه انداخته اند، به مثابه نقطه قوت اداره مستعمراتی نبوده بلکه، آخرین پارچه هائی را که شرمگاه آنها را از انظار مخفی داشت، نیز برداشته، ماهیت استعماری اداره مستعمراتی کابل و ضعف های آن را آشکار ساخت؛ چنانچه:

\*- اعلام علنی "گلبدین" که در خدمت امپریالیزم قرار دارد، توهمی را که نزد برخی از افراد ساده اندیش- بهتر است نوشت احمق- وجود داشت که گویا "اسلام سیاسی" می تواند علیه امپریالیزم باشد و اگر "احمدشاه مسعود" زنده می بود، به هیچ قیمتی حاضر نمی شد تا در رکاب امپریالیزم جانفشانی نماید، مطلقاً از میان برداشته، در عمل به اثبات رسانید که "اسلام سیاسی" به هر شکل و در زیر هر لباسی که خود را به نمایش بگذارد، جهت بقایش به امپریالیزم نیازمند بوده، بدون آن نمی تواند زندگانی نماید

\*- آن عده از به اصطلاح چپ هائی که ادعا داشتند که گویا امپریالیزم، فئودالیزم را زده و برای زدن فئودالیزم و نماینده های سیاسی آن می باید، با اداره مستعمراتی و نهاد های آن اعم از مقننه، اجرائیه و قضائیه همکاری نموده و دنائت را تا جائی رسانده بودند که برمنتقدان شان از حواله هیچ دشنامی دریغ نمی ورزیدند- مثال زنده این برخورد، فحاشی اعضاء و هواداران سازمان رهائی افغانستان علیه این قلم زمانی بود که من شرکت آنها را در پارلمان به مثابه تأیید تجاوز و به رسمیت شناختن اداره مستعمراتی و در نتیجه خیانت ملی اعلام داشتم- امید بر مواضع خاینانه دیروزشان تجدید نظر نموده، با انتقاد از خود صریح و آشکار و طرد وابستگی و انقیاد ملی، بدان امید که خلق افغانستان آنها را عفو نماید، به طرف مردم برگردند.

\* - به میدان انداختن مهره "گلبدین" از جانب امپریالیزم و جناحی از اداره مستعمراتی، بیانگر آن که به اصطلاح کفگیر به ته دیگ رسیده و برای امپریالیزم زمینه ها و امکانات مانور های سیاسی تنگتر شده است. یعنی آنها که دیروز با برخورداری از سایر امکانات، این مهره کثیف شان را برای روزمبادا ذخیره نموده بودند، وقتی امروز دست به دامان وی دراز می نمایند، می باید کارد به استخوان شان رسیده باشد که چنین با دار و ندار شان به میدان می آیند.

\* - به میدان آمدن "گلبدین" احتمالاً که برای حریفان روسی، ناتو دشواریهایی را به وجود بیاورد، زیرا همه می دانیم که روسها با سازماندهی مجدد جناح "خلق"، "حدخا" و آنها را به اساس روابط خونی و قومی در اختیار طالب قرار دادن، فشار زیادی را بر اداره مستعمراتی وارد می ساخت. اینک که مهره "گلبدین" به میدان آمده، با در نظر داشت روابط قبلی وی با خلقی ها، احتمال این که از طریق ایجاد انشعاب بین خلقی ها، خشونت و جنگ را در درون قوم پشتون دامن بزند، نمی تواند منتفی گردد.

\* - با آمدن "گلبدین" و فرش قرمزی که اداره مستعمراتی به خصوص جناح "غنی" سرراهش پهن نموده است، در عمل تضاد های دیرینه "بین شورای نظار-جمعیت" در یک طرف و باند "گلبدین" در طرف دیگر شدت یافته، آغاز درگیری های مسلحانه بین آنها هیچ بعید نیست. این تقابل از طرف "عبدالله" شورای نظاری روز گذشته به طور رسمی و علنی زمانی اعلام گردید که وی در پاسخ به ندای "گلبدین" که می باید بعد از این به طالب "برادر" خطاب کرد، با صراحت کامل ابراز داشت: "ما بعد از این به طالب، برادران آقای حکمتیار خواهیم گفت"، این جمله با آن که از طرف رسانه ها به صورت درست آن درک نگردید و یا هم اجازه نداشتند، درک درست شان را از آن ابراز دارند، مگر در واقعیت امر، گویای آن بود که برای شورای نظار گذشته از آن که چیزی به نام برادری و در نتیجه همسویی با طالب وجود ندارد، بلکه با برادران طالب نیز حساب های تصفیه نشده ای دارند.

\* - آمدن "گلبدین" آنهم در شهر کابل و اعزاز از وی در واقعیت اعزاز و تکریم جنایت و لجن پاشی بر خون بیش از ۶۵ هزار قربانی جنایات مشترک "گلبدین-مسعود" بوده، دهن کجی و اهانت آشکاری است علیه خلق افغانستان در کل، به خصوص مردم رنجکشیده و ماتمدار کابل زمین به صورت خاص.

\* - بر همه ما لازم است به جای آن که به صلح و آرامش نوع "گلبدینی"، "شورای نظاری"، "سیافی"، "وحدتی" و "ملاعمری" که چیزی به جز آرامش نوع گورستان نیست، دلخوش و یا امیدوار باشیم، این حرکت جدید را به مثابه نقطه ضعف عریان امپریالیزم و ارتجاع دانسته، با تمام قوا بر حملات خود بر آنها بیفزائیم و نگذاریم در همسویی با یک دیگر آرامش نوع گورستانی را بر کشور ما مستولی بسازند.